

ام المؤمنین «ام سلمه»

مدافع اهل بیت علیهم السلام*



فهیمة فہیمی نژاد

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

چکیده

ام سلمه والاترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، بعد از خدیجه علیها السلام می باشد. دو بار مهاجرت به حبشه و مدینه، حضور در غزوات متعدد و دفاع از اهل بیت علیهم السلام، موجب برتری وی در میان همسران پیامبر شده بود. وثاقت وی تا جایی است که امام حسین علیه السلام به هنگام ترک مکه به سوی عراق، امانت هایی را به وی سپرد تا به امام سجاد علیه السلام تقدیم نماید. از او ۳۷۸ حدیث از طریق اهل سنت روایت شده است که می توان به حدیث کساء اشاره کرد. این پژوهش پس از معرفی وی به عنوان صحابی شیعه صدر اسلام، به حوادث تاریخی مربوط به وی پرداخته است.

کلیدواژه ها: ام سلمه، همسران پیامبر، صحابی، راوی، حدیث، شیعه.

* تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۲/۱؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۲/۸.

مقدمه

در دوره جاهلی، زن موجودی نابالغ به شمار می‌رفت که به ناچار باید در حاشیه زندگی اجتماعی به سر می‌برد. حفظ و حراست وی برای قبایلی که دائم در حال جنگ و نزاع و یا کوچ بودند بسیار سخت بود؛ چرا که به دلیل عدم جنگاوری، احتیاج به دفاع داشت و چنانچه اسیر می‌شد مایه سرافکندگی و ننگ قبیله خود بود و اگر زنده می‌ماند در قبیله خود مورد شتمات قرار می‌گرفت و در قبیله دشمن کنیز می‌شد. البته گاهی اوقات برخی از زنان به دلایلی، مانند سرودن شعر، مطرح می‌شدند که این اشعار گاه نتایجی مصیبت‌بار به دنبال داشت؛ مثلاً به راه انداختن یک جنگ واقعی و یا تحریض و تشویق مردان قبیله به حمله و جنگاوری در مخاصمات. اما پیامبر ﷺ با آمدنش هویتی جدید برای زن ترسیم نمود و بعضی زنان دارای مقام و منزلتی خاص در جامعه شدند؛ از جمله آنان، زنان پیامبر ﷺ بودند. در این پژوهش، ابتدا به جایگاه زنان پیامبر در جامعه اسلامی پرداخته شده و سپس زندگانی ام‌سلمه به عنوان برجسته‌ترین آنان بعد از حضرت خدیجه رضی الله عنها مورد بررسی قرار گرفته است.

جایگاه زنان پیامبر در جامعه اسلامی

زنان پیامبر ﷺ که بر اساس آیات ۳۰ و ۳۲ سوره «احزاب» به خطاب مخصوص «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ» مفتخر شده‌اند، به چند دلیل و تنها به خاطر انتساب به آن حضرت دارای امتیازات خاصی شده‌اند:

۱. بالاترین ویژگی زنان پیامبر، برخوردار بودن از لقب «ام‌المؤمنین» است که بر اساس آیه «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (احزاب: ۶) به این لقب آسمانی مفتخر شده‌اند و ازدواج آنان با دیگران حرام گردیده است؛ چنان که در آیه «وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُزْوَا

رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبْدًا» (احزاب: ۵۳) بر حرمت تزویج آنها بعد از پیامبر تصریح شده، حال آنکه در مسئله حجاب و پوشش و احکام دیگر مثل زنان دیگر هستند.

۲. ویژگی بعدی زنان پیامبر، الگو بودن آنان در جامعه بوده است؛ چرا که در آیات ۳۰-۳۲ سوره احزاب چنین آمده: «ای همسران پیامبر، هر یک از شما دست به کارهای زشت زند، عذابش دو برابر می شود و بر خدا آسان است که مجازات شما را سخت تر کند و هر کس از شما خاضعانه از خدا و رسولش فرمان برد و کاری شایسته کند، مزد و پاداش او را دو برابر می دهیم و بهشت را که روزی ارزشمندی است برای او آماده کرده ایم. ای زنان پیامبر! شما مانند زن های دیگر نیستید...» از این آیات شریفه استنباط می شود که هر قدر اعتبار و منزلت شخص بالاتر باشد، مخالفت و معصیت او بزرگ تر و مجازات او شدیدتر است و همچنین مزد اطاعت آنان دو برابر می شود؛ یکی برای اطاعت از خداوند و دیگری رضایت رسول خدا.

۳. امتیاز دیگر زنان پیامبر نسبت به سایر زنان، نزول وحی در خانه های ایشان است. در ادامه آیه مزبور آمده است: «وَأَذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ» (احزاب: ۳۴)

۴. بعضی از زنان پیامبر جزو صحابه آن حضرت هستند و اهمیت آنها به خاطر روایت حدیث از طرف ایشان می باشد؛ برای مثال ام سلمه ۳۷۸ حدیث نقل کرده که مواردی نظیر ذکر شأن نزول آیه تطهیر، حدیث کساء و حدیث ثقلین از جمله آنهاست. «۲۴ نفر از صحابه راوی این حدیث هستند که ام سلمه یکی از آنهاست.» (هندی، ۱۳۸۱، ص ۴۸۱-۴۸۲)

گفتنی است اگرچه زنان پیامبر جزو برجستگان زمان خویش بوده اند، اما

نمی‌توان با استناد به آیه تطهیر، آنان را در زمرة اهل بیت علیهم‌السلام به شمار آورد.

آیه ۳۳ سورة احزاب را به خاطر فراز آخر آن، آیه «تطهیر» می‌گویند. تمام آیه چنین است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾؛ در خانه‌هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین، خودآرایی نکنید و نماز بپا دارید و زکات مال به فقیران بدهید و از امر خدا و رسول اطاعت کنید. خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب، پاک و منزّه گرداند.

آیه در واقع شامل دو خطاب است: ۱. همسران پیامبر؛ ۲. اهل بیت علیهم‌السلام. حال اینکه مراد از اهل بیت چه کسانی هستند، سه قول وجود دارد:

۱. کسانی که خداوند صدقه و زکات را به دلیل خویشاوندی آنها با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر آنان حرام کرده است؛ مانند آل علی علیه‌السلام و آل عقیل؛
۲. زنان پیامبر؛

۳. علی بن ابیطالب علیه‌السلام، فاطمه علیه‌السلام، حسن و حسین علیه‌السلام.

بنابر اجماع علمای شیعه و اکثر علمای اهل سنت، قول سوم صحیح است؛ زیرا در جواب به قول دوم گفته‌اند: به دلایل زیر نمی‌توان زنان پیامبر را در زمرة اهل بیت علیهم‌السلام دانست:

۱. خطاب اول آیه، نسبت به زنان پیامبر توییخی و خطاب دوم در مقام تعظیم و تطهیر اهل بیت است و اگر مخاطب اول و دوم یک گروه بودند، از نظر عقلی توییخ و تعظیم با هم منافات دارد.

۲. ام سلمه روایت کرده که این آیه در خانه من نازل شد و به هنگام نزول آیه، غیر از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت علی علیه‌السلام، فاطمه علیه‌السلام، حسن و حسین علیه‌السلام کسی آنجا نبود و در مباحث بعدی اشاره خواهد شد که عنوان اهل بیت شامل ام سلمه هم که

در آنجا حضور داشته نشده است. (فیض کاشانی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۳۵۱-۳۵۲)
 ۳. اگر آیه تطهیر در حق همسران پیامبر بود، بایستی ضمایر آن مانند خطاب
 اول آیه به صیغه مؤنث می آمد؛ یعنی: «لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
 تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳)

همسران پیامبر

تعداد همسران پیامبر ﷺ محل اختلاف است و به قولی مجموعاً یازده تن
 بوده اند: خدیجه، ام سلمه، هند، ام حبیبیه رمله، جویره، حفصه، سوده، صفیه، عایشه،
 میمونه، زینب بنت جحش و زینب هلالیه. نه تن از ایشان غیر از حضرت خدیجه
 و زینب هلالیه، در هنگام وفات آن حضرت زنده بوده اند.

کتاب نساب الصبیان در مورد اسامی همسران پیامبر اینچنین آورده:
 نه جفت نبی که پاک بودند همه بُد عایشه و خدیجه محترمه
 با ام حبیبیه، حفصه بود زینب میمونه، صفیه، سوده، ام سلمه
 (ابونصر فراهی، ۱۳۵۹، ص ۱۳۵)

دلایل تعدد زوجات پیامبر

موارد ذیل را می توان از جمله دلایل تعدد زوجات پیامبر ﷺ برشمرد:
 ۱. تمامی اقوال، افعال، رفتار و کردار پیامبر تابع اراده خداوند بوده است.
 حدیثی از آن حضرت تأیید کننده این مطلب است، آنجا که فرمودند: هیچ زنی را
 تزویج نکردم و هیچ یک از دخترانم را به ازدواج کسی در نیاوردم، مگر بعد از وحی
 آسمانی که جبرئیل از طرف رب جلیلم آورده است. (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۳۸)

۲. بعضی از زنان، به خاطر کسب افتخار خودشان یا پدرانشان، درصدد ازدواج با حضرت بوده‌اند. به عقیده مفسران و فقها، آیه «وَأَمْرًاؤُ مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ» (احزاب: ۵۰) در مورد چهار نفر از زنان پیامبر است که «موهبة النفس» (زنانی که با لفظ «هبه» نفس خود را بدون مهریه به حضرت هبه نمودند)، بوده‌اند و این چهار نفر عبارتند از: ام‌شریک، خوله بنت حکیم، زینب بنت خزیمه و میمونه بنت حارث.

۳. تألیف قلوب، دفع ضرر از اسلام و یا جلوگیری از اخلاص در پیشرفت جامعه اسلامی به واسطه پیوند زناشویی و خویشاوندی با قبایل دیگر، می‌تواند علتی دیگر برای ازدواج ایشان باشد.

نتیجه اینکه در این پیوندها هرگز قصد هوسرانی نبوده؛ زیرا به گواهی تاریخ، تزویج اغلب آنها در حال بیوگی بوده است و یا شاید علت آن اسراری باشد که از فهم و درک ما خارج است.

ام‌سلمه، برترین همسر پیامبر بعد از خدیجه

هند (ام‌سلمه) دختر ابی‌امیه حذیفه، بعد از حضرت خدیجه علیها السلام برترین همسران پیامبر بوده و در میان همسران آن حضرت آخرین زنی است که دار فانی را وداع گفت و به رحمت الهی نایل آمد. (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۰۸-۳۰۷)

تاریخ ولادت و وفات

هند دختر سهیل معروف به ابو‌امیه، در تاریخ ۲۸ قبل از هجرت، مطابق با ۵۹۶ میلادی متولد شد. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۸، ص ۹۷) سال وفات وی محل اختلاف است، چنان‌که آن را از سال ۵۹ تا ۶۴ هجری، مطابق با ۶۸۱ میلادی گفته‌اند، ولی به

نظر می‌رسد تاریخ اخیر صحیح‌تر باشد؛ زیرا وی پس از شهادت امام حسین علیه السلام نیز زنده بوده است. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۸، ص ۹۷/دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۳۵۴) درباره سن او از پسرش نقل شده که هنگام مرگ ۸۴ سال داشته است. مقبره ام سلمه در بقیع کنار بزرگان صدر اسلام است. (بجنوردی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۲۱۹)

سلسله نسب و کنیه

هند دختر ابی امیه ابی مغیره بن عبدالله بن عمرو بن مخزوم قرشی است. پدرش ابوامیه یکی از بخشنندگان عرب بود؛ از این رو او را «زاد الراکب» می‌نامیدند. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۸، ص ۹۷) مادرش عاتکه دختر عامر بن ربیعہ کنانی و یا به قولی عاتکه دختر عبدالمطلب است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۲۰۳) او چهار فرزند به نام‌های سلمه، عمر، دره و زینب از همسر اولش داشت و کنیه ام سلمه به خاطر فرزند اول او بوده است. (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۰۷)

شرح حال و زندگانی

ام سلمه از بزرگان و برجستگان صحابه و از همسران پیامبر می‌باشد و همان گونه که اشاره شد، به مدلول بعضی از اخبار وارده، بعد از حضرت خدیجه شایسته‌ترین همسر آن حضرت بوده است. او پیش از ازدواج با پیامبر، همسر ابوسلمه بن عبدالاسد مخزومی (عمه‌زاده آن حضرت که مادرش پره دختر عبدالمطلب است) بود که همراه وی به حبشه هجرت کرد. همه روایت مربوط به سفیران قریش در حبشه و مناظرات ایشان با جعفر بن ابیطالب در حضور نجاشی، از طریق ام سلمه نقل شده است. وی سپس با همسرش به مکه بازگشت و نخستین زن مهاجر بود که از قبیله قریش برای بار دوم به مدینه مهاجرت کرد و به سبب مخالفت خانواده شوهرش با مهاجرت ابوسلمه، به تنهایی مهاجرت نمود و از

شوهر و فرزنداناش جدا ماند. ام سلمه حدود یک سال در ابطح* می نشست و گریه می کرد.

پس از درگذشت ابوسلمه در سال چهارم هجری بر اثر جراحی که در جنگ احد برداشته بود، پیامبر با ام سلمه ازدواج کرد. گفته اند: پس از انقضای عده، ابوبکر و سپس عمر از او خواستگاری کردند، اما ام سلمه نپذیرفت تا اینکه پیامبر ﷺ از او خواستگاری نمود. ام سلمه به پیامبر چنین عرض کرد: کسی مثل من صلاحیت ازدواج با شما را ندارد؛ چون سن بالایی دارم، بچه دار نمی شوم، زن غیرتی (نسبت به هوو) هستم و چهار فرزند دارم. پیامبر نیز با این مضمون به او پاسخ دادند: در مورد سن، سن من از تو بیشتر است و در مورد غیرت، خداوند آن را از بین می برد و اما درباره خانواده ات که به عهده خدا و رسولش است. (زرکلی، ۱۹۸۶ م، ج ۸، ص ۹۷) و بدین ترتیب ام سلمه قبول کرد.

او بانویی شایسته و با کمالات بوده و همچنین از جمال بهره ای کافی داشته، چنان که محسود عایشه و مایه اندوه وی شد. (بجنوردی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۲۱۹)

ویژگی های خاص ام سلمه در میان زنان پیامبر

این بانوی بزرگوار امتیازاتی نسبت به سایر همسران پیامبر داشته که برخی از آنها عبارتند از:

الف. دو بار مهاجرت به حبشه و مدینه

همان گونه که اشاره شد، ام سلمه دو بار به دستور رسول خدا مهاجرت نمود؛ یکی به حبشه و دیگری به مدینه.

* رود فراخ که در آن سنگریزه باشد و اسم جایی بین مکه و منا است که مساحت آن از هر دو به یک اندازه و یا شاید به منا نزدیک تر است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۱۵)

ب. حضور در غزوات متعدد

او در غزوات متعددی همچون مریسبع (۶ هـ.ق)، خیبر (۷ هـ.ق)، حذیبیه (۶ هـ.ق و ۱۹ بعثت)، خندق (۵ هـ.ق)، فتح مکه (۸ هـ.ق) و حنین (۸ هـ.ق) رسول خدا را همراهی نمود و بعدها هر گاه به میدان جنگ احد می‌رفت بر شهیدان سلام می‌فرستاد.

ج. نقل احادیث فراوان از پیامبر ﷺ

وی احادیث فراوانی از حضرت رسول ﷺ نقل کرده است که در کتب اهل سنت آمده است. مسند او مشتمل بر ۳۷۸ حدیث است. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۸، ص ۹۷ / مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۰۷) مهم‌ترین احادیث وی عبارتند از:

۱. شان نزول آیه تطهیر و حدیث کساء: اغلب مفسران همچون طبرسی و ثعلبی از مسند احمد بن حنبل در مورد حدیث کساء و آیه تطهیر اینچنین روایت کرده‌اند که ام سلمه نقل کرده است: روزی حضرت فاطمه علیها السلام طعامی پخته و نزد پیامبر ﷺ به خانه من آوردند. حضرت فرمودند: ای نور دیده، علی را با دو فرزند خود بطلب تا با من این طعام را بخورند. چون همه حاضر شدند، از آن طعام خوردند. جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳) پس از آن، حضرت کسائی برایشان انداخت و فرمودند: «اللهم هولاء اهل بیتی و خاصتی اللهم فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا». ام سلمه گوید: چون این دعا را از حضرت شنیدم گفتم: یا رسول الله! من با شما هستم؟ حضرت فرمودند: تو رتبه اهل بیت من را نداری، اما زن نیکوکرداری هستی. (بحرانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۳۲۱-۳۵۱)

از امام باقر علیهما السلام روایت شده که فرمودند این آیه درباره رسول خدا، علی بن ابیطالب، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده و آن در خانه ام سلمه همسر پیامبر نازل شد و... (فیض کاشانی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۳۵۱-۳۵۲)

۲. مسئولیت مراقبت و نگاهداری از حضرت زهرا علیها السلام: ام سلمه گفت: وقتی رسول خدا با من ازدواج نمود، امور دخترش را به من سپرد و من به تربیت او می‌پرداختم. به خدا قسم که از من با ادب‌تر و در همه چیز از من آگاه‌تر بود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۰)

۳. دفاع از حضرت زهرا علیها السلام در قضیه فدک: فدک قریه‌ای است که با مدینه دو روز فاصله دارد و بین آن و خیبر کمتر از یک منزل راه است و چیزی بود که خدای تعالی آن را به پیامبرش به عنوان غنیمت داد. (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۱۳۷۹)

وقتی رسول خدا پس از غلبه و پیروزی و استیلا بر فدک به مدینه بازگشتند، نزد حضرت زهرا علیها السلام رفتند و فرمودند: دختر جانم! خدای تعالی فدک را به پدر تو بخشید و آن را خاص و خالص وی قرار داد. پس فدک از آن پدر توسست بدون آنکه مسلمانان را در آن حقی باشد؛ هر کار بخواهم می‌توانم با آن انجام دهم. دخترم! خدیجه را بر پدر تو مهریه‌ای بود و من که پدر تو باشم فدک را به جای مهریه مادرش به تو می‌بخشم که در زمان حیات تو از آن تو و پس از تو از آن فرزندان باشد. آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را خواندند و از وی خواستند که پوستی بیاورد. بعد به وی دستور دادند: بنویس که من فدک را به فاطمه بخشیدم. و بر این معنا علی بن ابیطالب و خدمتکار رسول خدا و ام‌ایمن شهادت دادند.

وقتی که رسول خدا از دنیا رفت و ابوبکر بر مسند و منصب حکومت نشست، کسی را به سوی فدک فرستاد تا وکیل حضرت زهرا علیها السلام را از آنجا بیرون کند و او هم این کار را کرد. (قزوینی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۲۰)

پس از خطبه فاطمه زهرا علیها السلام و دفاع وی از حق خود در مسجد و پاسخ ابوبکر، ام سلمه، وقتی سخنان ابوبکر را درباره حضرت زهرا علیها السلام شنید گفت: «آیا در مورد

کسی مانند فاطمه زهرا دختر رسول خدا چنین سخنانی باید بر زبان جاری شود، در حالی که به خدا سوگند او حوریه‌ای است در میان انسان‌ها... او بهترین و برگزیده‌ترین زنان است و مادر جوانان اهل بهشت، و عدیله و نظیر مریم. به پدر بزرگوارش رسالت تمام شد ... آرام باشید، شما را پیامبر می‌بیند و روزی بر خدا وارد خواهید شد. وای بر شما! آنگاه نتیجه و ثمره اعمال خود را خواهید دانست.» پس از این سخنان، دستور داده شد که به خاطر حق‌گویی و دفاع از دختر پیامبر، جیره و مواجب سالیانه ام سلمه در آن سال قطع شود. (بجنوردی، به نقل از: ابن رستم، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۲۱۹ / قزوینی، ۱۴۰۴، ق، ص ۴۸۸-۹)

۴. نصیحت عثمان بن عفان: در زمان خلافت عثمان، نصایح مشفقانه بسیاری به عثمان نمود و در پایان کلامش گفت: «این حق مادری بود که نسبت به تو ادا کردم و حق تو هم اطاعت کردن است.» (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۰۷)

۵. راهنمایی جابر بن عبدالله انصاری: وقتی معاویه با تطمیع نتوانست بعضی از مردم را به سوی خود جلب نماید آنها را تهدید نمود. جابر بن عبدالله نزد ام سلمه رفت و گفت: «همانا من بیم دارم که کشته شوم و این هم بیعت گمراهی است. پس چه باید کرد؟» گفت: هرگاه چنین است پس بیعت کن؛ چون تقیه، اصحاب کهف را وادار کرد که صلیب‌ها می‌پوشیدند و با قوم خود در عیدها حاضر می‌شدند.» صاحب اعیان الشیعه معتقد است که او مجتهدی بوده که احکام پیچیده شرعی را می‌دانست و به همین دلیل جابر از او سؤال نمود. (یعقوبی، ۲۵۳۶، ش، ج ۲، ص ۱۰۵ / امین، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۷۲)

۶. دفاع از حریم امامت حضرت علی (علیه السلام): دفاع این بانوی گرامی از حضرت علی (علیه السلام) پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شواهد بسیاری دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

الف. دفاع از حضرت علی علیه السلام در قضیه جنگ جمل: بعد از جانشینی علی علیه السلام به جای عثمان، طلحه و زبیر به بهانه گزاردن عمره از حضرت علی اجازه خروج خواستند. پس از آن، در مکه به عایشه پیوستند و او را به جنگ با علی علیه السلام تشویق کردند. او نیز نزد ام سلمه دختر ابی امیه همسر پیامبر خدا آمد و گفت: پسر عمویم و شوهر خواهرم به من خبر دادند که عثمان بی گناه کشته شده و بیشتر مردم به بیعت با علی راضی نبودند و گروهی از مردم بصره مخالفت ورزیده اند، پس اگر با ما همراه شوی شاید خدا امر امت محمد را به دست ما اصلاح کند. ام سلمه به او گفت: ستون دین با دست ما زنان به پا نمی شود. ستوده های زنان، فرو افکندن دیدگان و پنهان داشتن اطراف بدن و کشیدن دامن هاست؛ همانا خدا این کار را از من و تو برداشته است. (یعقوبی، ۲۵۳۶ ش، ج ۲، ص ۷۸) ام سلمه او را از این کار برحذر داشت، ولی عایشه توجهی ننمود. وقتی ام سلمه از نصیحت عایشه مأیوس شد، امام علی علیه السلام را از قصد اصحاب جمل با خبر ساخت و پسرش عمر بن ابی سلمه را به خدمت حضرت گسیل داشت. امیرالمؤمنین نیز بعداً این پسر را والی بحرین، سپس والی فارس و به قولی والی حلوان و ماه و ماسبندان کرد.

ب. بیان فضایل حضرت علی علیه السلام: محمد بن حوشب گوید: «روزی نزد ام سلمه نشسته بودم که ناگهان مردی از در آمد و سلام کرد. از او سؤال شد: کیستی؟ گفت: ابوثابت غلام ابودرم. ام سلمه گفت: خوش آمدی ابوثابت، بفرما بنشین. چون نشست، ام سلمه به وی گفت: ای اباثابت آن روز که دلها به جاهایی پرواز کرد دل تو کجا پرواز نمود؟ ابوثابت گفت: دل من به سوی علی علیه السلام پرواز کرد. ام سلمه گفت: موفق باشی، به خدا سوگند که از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: علی علیه السلام با قرآن و قرآن با علی است، از یکدیگر جدا نگردند تا آنکه کنار حوض کوثر بر من وارد شوند و من فرزندم عمر و برادر زاده ام عبدالله بن ابی امیه را به همراهی

علی (علیه السلام) فرستادم که در رکابش بجنگند و اگر نه این بود که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) ما را از بیرون رفتن از خانه نهی فرموده بود همانا من خود از مدینه حرکت می کردم و می رفتم تا در صف علی (علیه السلام) بایستم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۲۲۱/امین، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۷۲)

ج. جلوگیری از دشنام به علی (علیه السلام): از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که ام سلمه را غلامی بود که درباره علی (علیه السلام) جسارت می کرد. چون شنید، وی را بخواند و به وی گفت: ای فرزندم! شنیده ام نسبت به علی (علیه السلام) ناسزا می گویی؟ گفت: آری. ام سلمه گفت: بنشین تا حدیثی که خود از پیغمبر شنیده ام برایت بگویم، سپس هر چه خواهی بگویی. ما نه زن بودیم که در خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) می زیستیم و هر یک از ما یک شبانه روز سهم داشتیم. روزی که سهم من بود حضرت به خانه درآمد. در حالی که یک دستش به دست علی و دست دیگرش به شانه او بود، مرا فرمود: از اتاق دور شو و خانه را خلوت کن. من بیرون رفتم. چند بار اجازه وارد شدن خواستم ولی حضرت به من اذن نداد تا بار سوم به من رخصت فرمود. دیدم علی (علیه السلام) دو زانو در برابر پیغمبر نشسته است و می گوید: پدر و مادرم فدایت، اگر چنین و چنان شد مرا چه امر می فرماید؟ فرمود: تو را به صبر امر می کنم. بار دوم علی همان سؤال را تکرار کرد و حضرت فرمود: صبر کن. چون بار سوم سؤال خود را تکرار نمود، فرمود: اگر چنین کنند شمشیرت را از غلاف به در آر و بجنگ تا چون مرا در آن جهان ملاقات کنی خون از شمشیرت بچکد. آنگاه به من نگریست و فرمود: ای ام سلمه! بشنو و گواهی ده، این علی بن ابیطالب برادر من است در دنیا و برادر من است در آخرت. ای ام سلمه! بشنو و گواهی ده، این علی بن ابیطالب وزیر من در دنیا و وزیر من است در آخرت. ای ام سلمه! بشنو و گواهی ده، این علی بن ابیطالب پرچمدار من است در دنیا و پرچمدار من است در

فردای قیامت. ای ام‌سلمه! بشنو و گواهی ده، این علی بن ابیطالب وصی و جانشین من است پس از من و اداکننده دین من و طردکننده دشمنان من است از حوض. ای ام‌سلمه! بشنو و گواهی ده، این علی بن ابیطالب سردار مسلمین و رهبر متقین و قائد‌الغیر‌المحجلین و قاتل ناکثین و قاسطین و مارقین است. عرض کردم: ای رسول‌الله! ناکثین کیانند؟ فرمودند: آنان که در مدینه با وی بیعت کنند و در بصره بیعت بشکنند. گفتم: قاسطین کیانند؟ فرمودند: معاویه و یارانش از اهل شام. گفتم مارقین چه کسانی هستند؟ فرمودند: اصحاب نهروان. چون سخن به اینجا رسید غلام گفت: «مرا نجات دادی، خدا تو را نجات دهد. به خدا سوگند که دیگر به علی ناسزا نخواهم گفت.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۲۲۲)

نقل شده که کسی نزد ام‌سلمه رفت و ام‌سلمه از او سؤال نمود: آیا کسی از شما به پیامبر دشنام می‌دهد؟ گفتند: پناه بر خدا. ام‌سلمه گفت: از پیامبر شنیدم که فرمودند: هر کس به علی دشنام دهد به من دشنام داده است. همچنین ام‌سلمه وقتی شنید که حضرت علی علیه السلام بر روی منبر لعن شده، نامه‌ای به معاویه نوشت و او را سخت سرزنش کرد. (امین، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۷۲)

۷. روایت نبوی در مورد واقعه کربلا: نخستین کسی که در مدینه صدا به شیون برداشت، ام‌سلمه همسر پیامبر خدا بود. پیامبر در زمان حیاتش شیشه‌ای را که در آن خاکی سفیدرنگ بود به وی داده و فرموده بود: جبرئیل به من خبر داده است که امت من حسین را می‌کشند. هرگاه این خاک خون تازه گردید، بدان که حسین کشته شده. خاک نزد وی بود و چون وقت آن رسید، در هر ساعتی به آن شیشه می‌نگریست و چون آن را دید که خون گردیده است فریاد برآورد: «ای حسین، ای پسر پیامبر خدا!» پس زنان از هر سو شیون برآوردند تا از شهر مدینه چنان شیونی برخاست که هرگز مانند آن شنیده نشده بود. (یعقوبی، ۲۵۳۶ ش، ج ۲، ص

۱۸۲-۱۸۳ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، صص ۲۲۷، ۲۳۰ و ۲۳۲)

در بعضی از اسناد آمده که وقتی امام حسین علیه السلام تصمیم گرفت به سوی کربلا حرکت کند ذخایر نبوت و ودایع امامت را به ام سلمه سپرد تا پس از قضیه شهادت همه کربلا بیان، آنها را تسلیم حضرت سجاد علیه السلام نماید و او چنین نمود. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۰۴ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۴۸ و ۱۹۱۸)

نتیجه

ام سلمه به عنوان یک زن مسلمان شیعه همه وظایف خود را تمام و کمال انجام داده است. زندگی او را می توان به سه مرحله تقسیم نمود:

۱. پیش از ازدواج با پیامبر که به دستور پیامبر دو بار مهاجرت نمود.
۲. ازدواج با پیامبر، که تمام سعی و تلاش وی جلب رضایت پیامبر و برخورد محترمانه با حضرت بود.
۳. پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، که در رفتار و گفتار حامی و مدافع اهل بیت علیهم السلام و مورد وثاقت آن بزرگوار بوده است.

منابع

* قرآن کریم.

۱. امین، سید محسن؛ اعیان الشیعه؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۲. بجنوردی، کاظم و دیگران؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ تهران: مرکز دائرة المعارف، ۱۳۸۱ ش.
۳. بحرانی، سید عبد الجواد؛ تفسیر برهان؛ قم: چ ۳، المطبعة العلمية، ۱۳۹۳ ق.
۴. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ دانشگاه تهران: چ ۲، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷ ش.
۵. زرکلی، خیرالدین؛ اعلام؛ چ ۷، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۶ م.
۶. عبدالباقی، محمد فؤاد؛ المعجم المفهرس؛ قاهره: دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴.
۷. فراهی، ابونصر؛ نساب الصبیان؛ قم: حوزه های علمیه اسلامی، مجمع علمی اسلامی، ش ۱۰، ۱۴۰۱ ق.
۸. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ قم: باقری، ۱۴۱۳ ق.
۹. قزوینی، محمد کاظم؛ فاطمة الزهراء من المهد الى اللحد؛ مترجم حسین فریدونی، تهران: نشر آفاق، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. کاشانی، فیض؛ الصافی فی تفسیر القرآن؛ تهران: المكتبة الاسلامیه، ۱۳۰۶ ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ چ ۳، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۱۲. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. مدرس تبریزی، محمد علی؛ ریحانه الادب؛ چ ۴، تهران: خیام، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. هندی، میر حامد حسین؛ خلاصه عقبات الانوار (حدیث ثقلین)؛ تلخیص و تعریب: سید علی میلانی و دیگران، چ ۲، تهران: نیا، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. یعقوبی، احمد؛ تاریخ یعقوبی؛ چ ۲، تهران: بهمن، ۲۵۳۶ ش.